

## **A Critical Review of the Lessons and Rubrics of Master's Degree in Entrepreneurship at Universities and its Impact on Empowerment of Students**

**Mohammad Masum\***

**Reza Mohammadkazemi\*\*, Sadaf Sartipy\*\*\***

### **Abstract**

Universities, as the main custodians of expertise, play a key role in the development of entrepreneurship. Studies show that entrepreneurial education not only promotes entrepreneurial growth but also enhances entrepreneurial skills. However, despite the need to provide quality and practical training to entrepreneurship students, many students and graduates of this field did not consider the provided training to be of acceptable quality and could not prepare to enter the business world after this training. The aim of this research is critical review of lessons and rubrics of Master's degree in Entrepreneurship at universities and its impact on empowerment of students. In order to achieve this goal, the mentioned rubrics and lessons were evaluated from different aspects. In this regard, students and graduates of Entrepreneurship Faculty in University of Tehran between the 1388 to 1398 were selected as statistical population. The results of data analysis show that lessons and rubrics of Master's degree in Entrepreneurship at universities has a significant impact on enhancing academic ability of the students and graduates (Entrepreneurial knowledge and attitudes), Preparing students to enter the job market, preparing students to start a business,

---

\* Master of Entrepreneurship, Tehran University, Tehran, Iran, m.masum2003@gmail.com

\*\* Associate Professor of Entrepreneurship Faculty, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author), r\_mkazemi@ut.ac.ir

\*\*\* PhD Candidate of Entrepreneurship, Tehran University, Tehran, Iran, sadaf\_sartipi@yahoo.com

Date received: 2020-11-21, Date of acceptance: 2021-04-25

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

preparing students to upgrade previous businesses and mentioned rubrics and lessons fit the needs of the work environment.

**Keywords:** Entrepreneurship, Universities, Educational Rubrics



## نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تأثیر آن بر توانمندسازی دانشجویان

محمد معصوم\*

رضا محمد کاظمی\*\*، صدف سرتیپی\*\*\*

### چکیده

دانشگاه‌ها به عنوان متولی اصلی پرورش نیروی متخصص، نقشی کلیدی در توسعه کارآفرینی دارند. مطالعات نشان می‌دهد که آموزش‌های کارآفرینی نه تنها باعث رشد کمی کارآفرینان می‌شود بلکه موجب ارتقاء سطح مهارت‌های کارآفرینی نیز می‌گردد. اما علیرغم ضرورت ارائه آموزش‌های باکیفیت و کاربردی به دانشجویان رشته کارآفرینی، بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته، آموزش‌های ارائه شده را دارای کیفیت قابل قبولی ندانسته و نتوانسته‌اند پس از طی این آموزش‌ها برای ورود به دنیای کسب‌وکار آماده شوند. لذا این تحقیق با هدف نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تأثیر آن بر توانمندسازی دانشجویان طراحی و به مرحله اجرا درآمد. در این راستا دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته کارآفرینی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران که بین سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در این دانشکده مشغول به تحصیل بوده‌اند به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی تأثیر قابل توجهی بر افزایش توان علمی، آماده‌سازی جهت ورود به بازار کار،

\* کارشناس ارشد کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، m.masum2003@gmail.com

\*\* دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، r\_mkazemi@ut.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، sadaf\_sartipi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

آماده‌سازی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار و ارتقا کسب‌وکارهای پیشین داشته و دروس مذکور با نیازهای محیط کار تناسب دارند.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی، دانشگاه‌ها، سرفصل‌های آموزشی

## ۱. مقدمه

یکی از نیازهای جدی زندگی در دنیای پرشتاب امروز که حجم و سرعت تحولات و دگرگونی‌های آن در تمام قرون و اعصار بشری سابقه است، شکل دادن به تحولات و نوآوری‌های آموزشی بویژه در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است؛ چرا که این امر یکی از مؤثرترین زمینه‌هایی است که ما را قادر می‌سازد تا فاصله خود را با تحولات و دگرگونی‌های جهانی کمتر نماییم (رحیمی‌مند و عباس‌پور، ۱۳۹۵).

یکی از اولین مسائل در اصلاح رشته‌های دانشگاهی توجه به برنامه‌درسی و محتوای آموزشی است. برای دستیابی به این مهم بررسی سرفصل‌های درسی برای رفع کاستی‌ها و تبدیل چالش‌ها و تهدیدها به فرصت‌ها ضروری است (فخاری، ۱۳۹۵).

سرفصل درسی به منزله یکی از ارکان اصلی آموزش، در کنار راهبردهای تدریس و کتاب‌های مناسب، می‌تواند نقش بسزایی در تحقق و پیشبرد اهداف هر درس داشته باشد (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

برنامه‌درسی و سرفصل‌های دروس در دانشگاه‌ها یکی از معیارهای ارزیابی کم و کیف نظام آموزشی رشته‌های تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجو است، زیرا برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی، راهنمای عملی مدرس و دانشجو است (قربان‌زاده سوار، ۱۳۹۲). همچنین با توجه به اینکه راهنمای اصلی استادان و دانشجویان در کشور ما "برنامه‌درسی" است، توجه به محتوا و مفاهیم عمده سرفصل‌های برنامه‌درسی دانشگاهی، بسیار ضروری می‌نماید (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

از طرفی در عصر حاضر، با توجه به افزایش عدم اطمینان محیطی، عدم قطعیت و چالش‌های زیاد، یکی از راه‌کارهای مؤثر برای این که سازمان‌ها بتوانند خود را با تحولات سریع انطباق دهند و به شکل پویا و زنده به حیات خود ادامه دهند، گرایش به سمت کارآفرینی است (Tajeddini, 2010).

امروزه کارآفرینی به عنوان موتور رشد و توسعه سازمان‌ها و جوامع شناخته شده و برای داشتن ساختار اقتصادی قدرتمند و مرفه، امری حیاتی قلمداد می‌شود (Saiz- Alvarez)

(et al., 2014) و با توسعه ی کارآفرینی، فرصت های اقتصادی جدید ظهور می یابد، کسب و کارهای جدیدی در جامعه پدید می آید و کل اقتصاد شکوفا می شود (رستمعلی زاده و علی جمعه زاده، ۱۳۹۷).

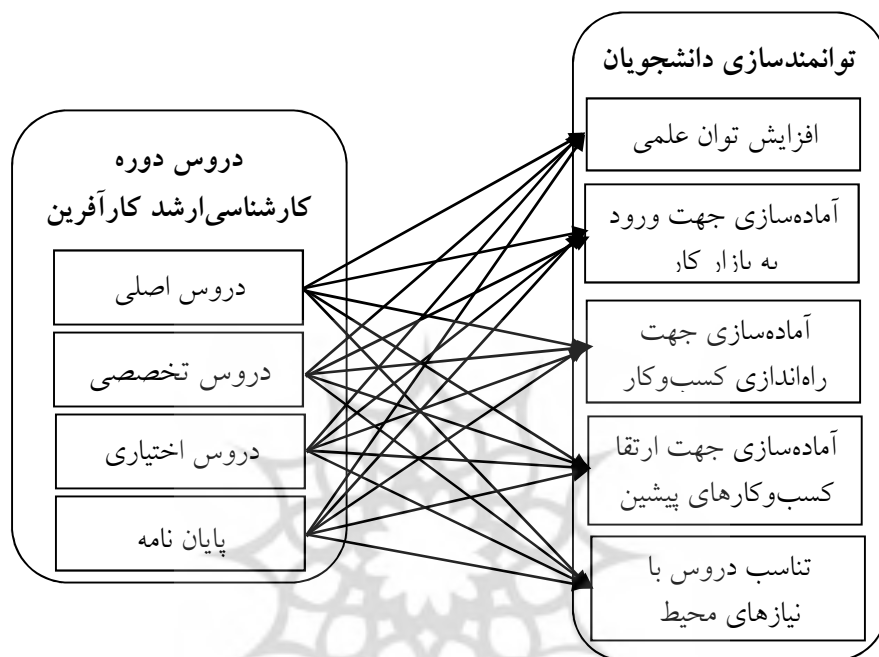
اما رشد و توسعه کارآفرینی در جامعه مستلزم ایجاد زمینه‌های آن است و وجود شرایط مناسب برای توسعه کارآفرینی اهمیت بسیاری دارد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۵).

واقعیت این است که برخورداری از سطوح بالای کارآفرینی در جامعه مستلزم ایجاد و توسعه زمینه‌های آن است و چون کارآفرینی شامل رفتارهای مشهود نیز می‌شود، قابل آموزش و تعلیم دادن است. از جمله عوامل مؤثر در ارتقای سطح و توسعه فرهنگ کارآفرینی جوامع، آموزش آن در دانشگاه‌ها است. دانشگاه‌ها به عنوان متولی اصلی پرورش نیروی متخصص جامعه، نقش کلیدی و تعیین کننده در توسعه کارآفرینی در کشور دارند. از این رو، یکی از مهم‌ترین و جدیدترین مأموریت‌های کلیدی دانشگاه‌ها، توسعه و پرورش کارآفرینان بالقوه است (زالی و رضوی، ۱۳۸۳). مطالعات نشان می‌دهد که آموزش‌های کارآفرینی نه تنها باعث رشد کمی کارآفرینان می‌شود بلکه موجب تحول در نسل‌های کارآفرینی و ارتقاء سطح مهارت‌های کارآفرینی به ویژه در طراحی راهبردهای کسب و کار و مدیریت بنگاه‌داری می‌گردد (طالبی و زارع یکتا، ۱۳۸۷).

اما نکته حائز اهمیت در این میان آن است که علیرغم ضرورت ارائه آموزش‌های با کیفیت و کاربردی به دانشجویان این رشته، بنابر اظهار نظر بسیاری از دانشجویان و فارغ التحصیلان، آموزش‌های ارائه شده در دوره کارشناسی ارشد و دکتری این دوره از کیفیت قابل قبولی برخوردار نبوده و نتوانسته است به طور شایسته، دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته را برای ورود به دنیای کسب و کار آماده سازد؛ به طوریکه بسیاری از فارغ التحصیلان این رشته پس از اتمام تحصیلات خود، بجای راه اندازی کسب و کارهای شخصی، در پی جذب در سازمانهای دولتی و خصوصی هستند و تعداد قابل توجهی از آنها، علیرغم علاقه مندی زیاد، موفق به راه اندازی کسب و کار شخصی نمی‌شوند.

توجه به آنچه پیشتر در خصوص اهمیت رشته کارآفرینی و نیز جایگاه سرفصل‌های آموزشی در پرورش فارغ التحصیلان توانمند و نیز ضعف بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته کارآفرینی در راه اندازی کسب‌وکارهای شخصی اشاره شد، این ضرورت را ایجاد نمود تا در پژوهشی جامع و در قالب مدل مفهومی ارائه شده در شکل (۱) به نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های موجود این رشته و ارزیابی میزان تاثیرگذاری این دروس

در توانمندسازی دانشجویان و آماده‌سازی آنها جهت ورود به بازار کار پرداخته شده و در پی پاسخ به این پرسش کلیدی برآمده شونده که دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاهها چه تأثیری بر توانمندسازی دانشجویان دارند؟



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

## ۲. اهداف پژوهش

### ۱.۲ هدف اصلی

- نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاهها و تأثیر آن بر توانمندسازی دانشجویان

### ۲.۲ اهداف فرعی

- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه)

نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد ... (محمد معصوم و دیگران) ۳۶۳

- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر آماده سازی دانشجویان جهت ورود به بازار کار
- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر آماده سازی دانشجویان جهت راه اندازی کسب و کار
- بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر آماده سازی دانشجویان جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین
- بررسی میزان تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب و کار

### ۳. مبانی نظری تحقیق

#### ۱.۳ کارآفرینی

امروزه کارآفرینی به عنوان موتور رشد و توسعه سازمان‌ها و جوامع شناخته شده (Saiz- Alvarez et al., 2014) و نقش مهمی در رشد اقتصادی و اشتغال در سطح اجتماعی ایفا می کند (Vuorio et al., 2018).

با توجه به دگرگونیهای وسیع عصر اطلاعات، از بین سه انقلاب دیجیتالی، اینترنتی و کارآفرینی، انقلاب کارآفرینی نقشی بسزا در رشد کشورهای توسعه یافته داشته و پیشرفت بسیاری از کشورها مرهون فعالیت‌های کارآفرینانه است. در نتیجه، کارآفرینی موتور رشد و توسعه اقتصادی شناخته می شود (Anokhin et al., 2008).

همچنین در سالهای اخیر بسیاری از سازمانهای بزرگ، کارآفرینی را به عنوان روشی برای کسب مزیت رقابتی در بلند مدت، استفاده می کنند (محمد کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰). چرا که کارآفرینی، کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت بشر در عصر جدید تلقی می شود (شوهانی و همکاران، ۱۳۹۴).

کارآفرینی یک موضوع پژوهشی می باشد که در طول چند دهه گذشته توجه زیادی را به سوی خود جلب نموده است (حسینی و خسروی لقب، ۱۳۹۶). تحقیقات صورت گرفته پیشین اینگونه اظهار داشته اند که کارآفرینان و به طور خاص شایستگی های آنها نقشی کلیدی و محوری برای موفقیت کسب و کارها ایفا می نماید (Kyndt & Baert, 2015).

کارآفرینی فرآیندی است که در افراد\_هم به صورت فردی و هم در درون سازمان‌ها\_ بدون توجه به منابع موجود و در دسترس به دنبال بهره‌برداری از فرصت‌ها هستند (Chen et al., 2008). در تعریفی دیگر نیز کارآفرینی به عنوان فرایند کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های سودآور معرفی شده است (Hanohov & Baldacchino, 2018). فعالیت‌های کارآفرینی تأثیر زیادی بر اقتصاد داشته و برای کشورهای در حال توسعه نیز بسیار حائز اهمیت است (پسندیده فرد و کیانی ماوی، ۱۳۹۷). تحقیقات مختلف نیز مؤید اثر مثبت کارآفرینی بر بقا، سودآوری و رشد بنگاه‌ها می‌باشد (Kellermanns et al., 2008). تاریخچه توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، مستندات برای حمایت از این واقعیت فراهم می‌آورد که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی می‌باشد. پارسون و اسمسler کارآفرینی را یکی از دو شرط ضروری توسعه اقتصادی می‌دانند. شومپتر نیز به علت نقش کارآفرینی در ایجاد نوآوری آن را محور کلیدی توسعه اقتصادی تلقی می‌کند (سپهوند و مغوثی نژاد، ۱۳۹۴). هانکلو و همکارانش (۲۰۱۴) نیز اقتصاد کشورها را تحت تأثیر فعالیت‌های کارآفرینانه می‌دانند (Hancioğlu et al., 2014).

### ۲.۳ بررسی سرفصل‌های رشته کارآفرینی

برنامه ریزی درسی یکی از ارکان و شاخه‌های اساسی تعلیم و تربیت و فرایند آموزش، به شمار می‌آید. بی تردید برنامه ریزی مناسب آموزشی گامی است که در سایه آن سایر گام‌های آموزش معنا پیدا می‌کند؛ بدین معنا که بکارگیری روش تدریس مناسب و طراحی کتابی هدفمند برای تدریس، در سایه وجود برنامه ریزی مناسب و منسجم محقق می‌شود. از این رو وجود الگو یا برنامه درسی مناسب راه گشای خوبی در امر آموزش محسوب می‌گردد (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

برنامه درسی و سرفصل‌های دروس در رشته‌های تحصیلی دانشگاه در مقاطع تحصیلی مختلف، به مثابه نقشه راه دانشجو و استاد است تا در پرتو آن، دانشجو به تحصیل علم بپردازد و استاد در سایه آن تدریس نماید (قربان زاده سوار، ۱۳۹۲).

دوره کارشناسی ارشد کارآفرینی یکی از دوره‌های تحصیلی آموزش عالی است و هدف از تشکیل این دوره توسعه منابع انسانی خلاق، هوشمند و مهارت آموخته در راه اندازی کسب و کار، تربیت سیاست‌گذاران و کارشناسان کارآفرینی مورد نیاز دولت و بخش

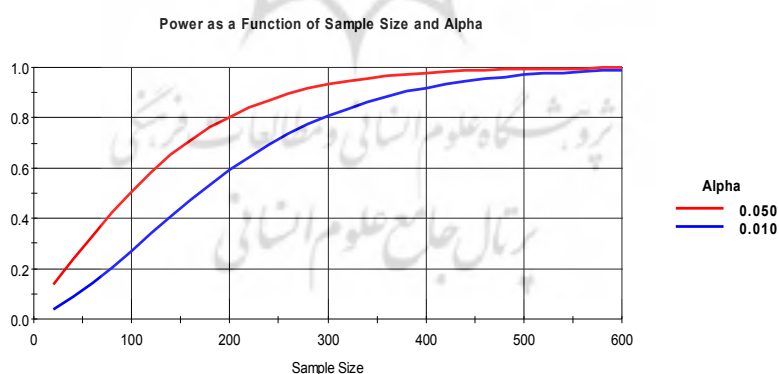


عمومی و تولید محتوای آموزشی و دانش بومی کارآفرینی است (شورای برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۷).

طبق دستور العمل شورای برنامه ریزی آموزش عالی سال ۱۳۸۷ دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی مشتمل بر ۳۲ واحد شامل دروس اصلی (۱۴ واحد)، دروس تخصصی (۱۰ واحد)، دروس اختیاری (۴ واحد) و پایان نامه (۴ واحد) است.

#### ۴. روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر پارادایم، فراتبات‌گرا می باشد که با رویکرد کمی صورت پذیرفته است. همچنین استراتژی تحقیق حاضر توصیفی و از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته کارآفرینی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران هستند که بین سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند؛ که حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار تعیین حجم نمونه SPSS sample power برآورد شده است. در روش مذکور شاخص هایی چون خطای نوع اول، نوع دوم، بازه اطمینان، توان آزمون، اندازه اثر و ... بر حجم نمونه تاثیرگذارند. در این راستا طبق با شکل زیر دو سناریو مختلف برای سطوح خطای ۰.۰۱ و ۰.۰۵ توسط نرم افزار بدست آمده است. که برای خطای ۰.۰۱ حجم نمونه ۲۹۶ و برای خطای ۰.۰۵ حجم نمونه ۱۹۹ نفر می باشد.



شکل (۲) - حجم نمونه

از آنجایی که در علوم انسانی، محقق باید احتمال وقوع پدیده‌ها را تا حد ۹۹٪ محاسبه نماید، سناریو اول، مناسب‌تر است. بنابراین با خطای نوع اول ۱٪ و خطای نوع دوم ۲۰٪، دقت نتایج در سطح اطمینان ۹۹٪ و توان آزمون ۸۰٪، محقق توانسته است بر مبنای اندازه اثری معادل ۰.۲ حجم نمونه ۲۹۶ نفر را تخمین می‌زند. بطوریکه می‌توان ادعا نمود این نمونه قدرت پیش‌بینی و تعمیم‌پذیری نتایج را تضمین می‌نماید. لازم به توضیح است که به منظور اطمینان بیشتر ۳۵۰ پرسشنامه با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس توزیع گردیده و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص تعداد ۳۰۳ پرسشنامه جهت تجزیه و تحلیل انتخاب گردید. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه محقق‌ساخته متشکل از ۲۰ سؤال با طیف پنج‌گانه لیکرت) استفاده شده است. در این پرسشنامه سوالات ۱ تا ۴ مربوط به متغیر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه)، سوالات ۵ تا ۸ مربوط به متغیر آماده‌سازی دانشجویان جهت ورود به بازار کار، سوالات ۹ تا ۱۲ مربوط به متغیر آماده‌سازی دانشجویان جهت راه‌اندازی کسب و کار، سوالات ۱۳ تا ۱۶ مربوط به متغیر آماده‌سازی دانشجویان جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین و سوالات ۱۷ تا ۲۰ مربوط به متغیر میزان تناسب سر فصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب و کاری باشد. در این پژوهش به منظور اطمینان از پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق از معیار آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اسپس اس و آزمون t تک نمونه‌ای بهره‌گرفته شده است.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از توزیع پرسشنامه‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی پرداخته شده است.

## ۱.۵ آمار توصیفی

### ۱.۱.۵ ویژگی‌های جمعیت شناختی

در این قسمت ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری تشریح می‌شود. ویژگی‌هایی که در این بخش مورد تحلیل قرار می‌گیرند عبارتند از: جنسیت، سن و وضعیت شغلی. جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری را نشان می‌دهد.

جدول (۱) توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	زن	۱۵۷	%۵۱.۸	۱۵۷	%۵۱.۸
	مرد	۱۴۲	%۴۶.۹	۲۹۹	%۹۸.۷
	نامشخص	۴	%۱.۳	۳۰۳	%۱۰۰
	جمع	۳۰۳	%۱۰۰	۳۰۳	%۱۰۰
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۵۷	%۱۸.۸	۵۷	%۱۸.۸
	۲۵ تا ۳۰ سال	۹۱	%۳۰	۱۴۸	%۴۸.۸
	بالاتر از ۳۰ سال	۱۴۹	%۴۹.۲	۲۹۷	%۹۸
	نامشخص	۶	%۲	۳۰۳	%۱۰۰
	جمع	۳۰۳	%۱۰۰	۳۰۳	%۱۰۰
وضعیت شغلی	شاغل در بخش دولتی مرتبط با رشته تحصیلی	۱۲	%۴	۱۲	%۴
	شاغل در بخش دولتی غیر مرتبط با رشته تحصیلی	۴۸	%۱۵.۸	۶۰	%۱۹.۸
	شاغل در بخش خصوصی مرتبط با رشته تحصیلی	۷۱	%۲۳.۴	۱۳۱	%۴۳.۲
	شاغل در بخش خصوصی غیرمرتبط با رشته تحصیلی	۳۹	%۱۲.۹	۱۷۰	%۵۶.۱
	شاغل در کسب و کار شخصی	۷۷	%۲۵.۴	۲۴۷	%۸۱.۵
	فاقد شغل	۴۹	%۱۶.۲	۲۹۶	%۹۷.۷

نا مشخص	۷	%۲.۳	۳۰.۳	%۱۰۰
جمع	۳۰.۳	%۱۰۰	۳۰.۳	%۱۰۰

### ۲.۱.۵ بررسی توصیفی شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق

در این بخش به بررسی توصیفی شاخص‌های تحقیق پرداخته می‌شود. ویژگی‌هایی که در این بخش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند عبارتند از چولگی و کشیدگی. جدول (۲) ویژگی‌های مذکور را برای سوالات تحقیق نشان می‌دهد.

جدول (۲) بررسی توصیفی شاخص‌های تحقیق

شاخص	چولگی		کشیدگی	
	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد	آماره
سوال ۱	-۰.۹۲۷	۱.۳۲۴	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۲	-۰.۶۴۱	-۰.۴۱۲	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۳	-۰.۷۲۲	-۰.۵۸۱	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۴	-۰.۵۹۳	-۰.۴۱۲	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۵	-۰.۱۱۱	-۰.۷۸۱	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۶	-۱.۰۰۱	۰.۱۹۶	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۷	-۰.۰۱۴	-۱.۳۲۷	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۸	-۰.۲۸۸	-۰.۳۱۷	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۹	-۰.۸۳۰	۱.۱۰۷	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۰	-۰.۶۹۹	-۰.۳۹۹	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۱	۰.۰۳۹	-۱.۱۱۴	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۲	-۰.۵۱۹	-۰.۳۶۳	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۳	۰.۰۰۶	-۰.۸۴۸	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۴	-۰.۸۱۴	-۰.۳۵۱	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۵	-۰.۰۱۵	-۱.۲۱۳	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۶	۰.۰۳۶	-۱.۰۰۳	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۷	-۰.۶۸۱	-۰.۵۹۹	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۸	-۰.۶۹۴	-۰.۵۸۱	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۱۹	-۰.۱۸۳	-۰.۲۳۹	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹
سوال ۲۰	-۰.۰۹۱	-۰.۵۸۶	۰.۱۴۰	۰.۲۷۹

مطابق با نظر کلین (۲۰۰۵) با توجه به نوع داده‌های پژوهش که در قالب طیف لیکرت می‌باشد؛ برای تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌ها باید شاخص‌های پژوهش و متغیرهای آن از نظر شکل توزیع و بر اساس شاخص‌های چولگی و کشیدگی مورد ارزیابی قرار گیرند. اگر چولگی و کشیدگی شاخص‌ها حد مجاز را رعایت کرده باشد شرط لازم برای نرمال بودن توزیع داده‌ها برقرار خواهد شد. اما برای نتیجه قطعی، شاخص‌های چولگی و کشیدگی متغیرها نیز باید بررسی گردد. بر این اساس طبق نتایج جدول (۲) کلیه شاخص‌های تحقیق دارای چولگی بین (۳ و -۳) و کشیدگی بین (۵ و -۵) می‌باشند؛ بنابراین شرط لازم برای نرمال بودن برقرار می‌باشد.

جدول (۳) بررسی توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین آماره	انحراف معیار		چولگی		کشیدگی
		آماره	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد	
افزایش توان علمی	۲/۱۴۹۷	۰/۷۲۹۰۳	۰/۹۲۰	۰/۲۰۰	۰/۵۳۶	۰/۳۹۷
آماده سازی جهت ورود به بازار کار	۲/۱۶۷۸	۰/۷۰۲۶۵	۰/۹۹۶	۰/۲۰۰	۱/۲۷۸	۰/۳۹۷
آماده سازی جهت راه اندازی کسب و کار	۲/۲۵۹۲	۰/۷۰۲۹۱	۱/۱۶۷	۰/۲۰۰	۱/۰۶۱	۰/۳۹۷
آماده سازی جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین	۲/۲۸۲۹	۰/۶۴۴۰۲	۱/۸۶۱	۰/۲۰۰	۲/۸۶۱	۰/۳۹۷
تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب و کار	۲/۳۱۵۲	۰/۰۷۶۷۹	۰/۷۶۳	۰/۲۰۰	-۰/۲۶۷	۰/۳۹۷

همچنین مطابق با نظر استیون (۲۰۰۲) برای آنکه اطمینان حاصل کنیم داده‌های بی تفاوت در مجموعه تحقیق وجود ندارد، پراکندگی پاسخ‌های افراد برای هر متغیر باید بزرگتر از ۰.۵ باشد؛ که با توجه به نتایج به دست آمده، برای کلیه متغیرها پراکندگی بالای ۰/۵ است. بعلاوه همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، شرط کافی برای نرمال بودن توزیع داده‌ها، آن است که ضرایب چولگی و کشیدگی متغیرها حد مجاز را رعایت کرده باشند؛ که با توجه به نتایج جدول (۳) این امر برای کلیه متغیرها مشهود است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که توزیع داده‌های تحقیق از الگوی زنگوله‌ای یا نرمال تبعیت می‌کند؛ و می‌توان برای تحلیل داده‌ها در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های پارامتریک استفاده نماییم.

## ۲.۵ آمار استنباطی

در این بخش به منظور دستیابی به اهداف پژوهش اقدام به تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه می‌نماییم. در این راستا ابتدا به بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش (پرسشنامه) پرداخته و پس از آن هر یک از اهداف پژوهش به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱.۲.۵ پایایی

پایایی یا قابلیت اعتماد، یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. این مفهوم با این امر سروکار دارد که ابزار در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی را به دست می‌دهند (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در این پژوهش جهت سنجش پایایی از معیار آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷ نشانگر پایایی قابل قبول است (Cronbach, 1951). جدول (۴) ضریب آلفای کرونباخ را برای پرسشنامه پژوهش ارائه می‌کند.

جدول (۴) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه

آلفای کرونباخ	پرسشنامه
۰.۸۴۳	

با توجه به اینکه مقدار مناسب آلفای کرونباخ ۰.۷ (Cronbach, 1951) است و مطابق یافته‌های جدول (۴)، مقدار بدست آمده بیشتر از ۰.۷ است لذا می‌توان گفت پایایی پرسشنامه مناسب است.

### ۲.۲.۵ تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر افزایش توان علمی (دانش و نگرش کارآفرینانه)

جدول (۵) تأثیر دروس بر افزایش توان علمی

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۱	۳.۲۸	۰.۸۴۷	۳.۸۸	دروس اصلی
۲	۲.۵۹	۱.۱۳۵	۳.۲۷	دروس تخصصی
۴	۱.۶۲	۰.۸۷۵	۲.۵۳	دروس اختیاری
۳	۲.۵۲	۱.۱۱۷	۳.۳۳	پایان نامه

نتایج از این بخش حاکی از آن بوده است که میزان تاثیرگذاری هر یک از گروه‌های درسی بر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان در سطح نمونه یکسان نبوده و سرفصل‌های ارائه شده در هر درس توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ التحصیلان می‌دهد تا توان علمی خود را به منظور استفاده در زندگی شخصی و محیط‌های علمی و شغلی افزایش داده و همچنین آمادگی خود را جهت شرکت در آزمونهای ورودی مقاطع بالاتر افزایش دهند. بر اساس یافته‌های این بخش گروه دروس اصلی، دروس تخصصی، پایان نامه و دروس اختیاری به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان داشته است. همچنین این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمرات تأثیر دروس اصلی، دروس تخصصی و پایان نامه بر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه) بالاتر از مقدار استاندارد ۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر دروس اصلی، دروس تخصصی و پایان نامه بر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه) در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ  $t$  تک نمونه‌ای می‌رویم.

جدول (۶) آزمون  $t$  تک نمونه‌ای مربوط به تأثیر دروس بر افزایش توان علمی

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد بالا	حد پایین
دروس اصلی	18.165	302	.000	.88449	.7887	.9803
دروس تخصصی	5.770	302	.000	.37624	.2479	.5046
دروس اختیاری	-9.318	302	.000	-.46865	-.5676	-.3697
پایان نامه	5.142	302	.000	.33003	.2037	.4563

بر اساس نتایج جدول فوق با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه  $(-1.96, 1.96)$  است و یا مقدار Sig که کمتر از  $0.05$  است در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد ۳ تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد تأثیر دروس اصلی، تخصصی و پایان نامه بر افزایش توان علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه)، حد بالا و پایین هر دو مثبت هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد. همچنین در خصوص تأثیر دروس اختیاری بر افزایش

توان علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان (دانش و نگرش کارآفرینانه)، از آنجا که حد بالا و پایین هر دو منفی هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد.

### ۳.۲.۵ تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر آمادگی جهت ورود به بازار کار

جدول (۷) تأثیر دروس بر آماده سازی جهت ورود به بازار کار

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۲۱	۱.۰۸۳	۲.۷۴	دروس اصلی
۱	۳.۴۵	۱.۰۳۸	۴.۰۶	دروس تخصصی
۳	۲.۱۸	۱.۲۲	۲.۶۹	دروس اختیاری
۴	۲.۱۵	۰.۸۴۷	۲.۷۳	پایان نامه

بر اساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تاثیرگذاری هر یک از گروه‌های درسی بر آماده سازی دانشجویان و فارغ التحصیلان جهت ورود به بازار کار در سطح نمونه یکسان نبوده و هر گروه درسی توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ التحصیلان می‌دهد تا بتوانند نظرات کارفرمایان را در خصوص توانمندی‌های شغلی خود جلب نموده و شغل مد نظر خود را بدست آورند. بر اساس این یافته‌ها گروه دروس تخصصی، که به طور مستقیم بر کسب توانمندی‌های تکنیکی دانشجویان تاثیرگذار است توانسته است با اختلاف قابل توجهی نسبت به بقیه گروه‌های درسی رتبه نخست را از آن خود نماید. پس از آن نیز گروه‌های دروس اصلی، دروس اختیاری و پایان نامه به ترتیب بیشترین تأثیر را بر آماده‌سازی دانشجویان و فارغ التحصیلان جهت ورود به بازار کار داشته است. همچنین این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمرات تأثیر دروس تخصصی بر افزایش آماده سازی دانشجویان جهت ورود به بازار کار بالاتر از مقدار استاندارد ۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر دروس تخصصی بر افزایش آماده سازی دانشجویان جهت ورود به بازار کار در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ  $t$  تک نمونه‌ای می‌رویم.

جدول (۸) آزمون  $t$  تک نمونه‌ای تأثیر دروس بر آمادگی جهت ورود به بازار کار

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
				سطح اطمینان ۹۰٪	حد بالا / حد پایین
دروس اصلی	-4.189	302	.000	-26073	-3832 / -1383



1.1801	.9453	1.06271	.000	302	17.810	دروس تخصصی
-1.653	-4419	-30363	.000	302	-4.320	دروس اختیاری
-1.682	-3598	-26403	.000	302	-5.423	پایان نامه

بر اساس نتایج جدول فوق با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه  $(1.96)$  و  $(-1.96)$  است و یا مقدار Sig که کمتر از  $0.05$  است در سطح اطمینان  $99$  درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد  $3$  تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد تاثیر دروس اصلی، اختیاری و پایان نامه بر افزایش آماده سازی جهت ورود به بازار کار، حد بالا و پایین هر دو منفی هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد. همچنین در خصوص تاثیر دروس تخصصی بر افزایش آماده سازی جهت ورود به بازار کار، از آنجا که حد بالا و پایین هر دو مثبت هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد.

#### ۴.۲.۵ بررسی تاثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر آماده سازی دانشجویان جهت راه اندازی کسب و کار

جدول (۹) تاثیر دروس بر آماده سازی جهت راه اندازی کسب و کار

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۹۱	۰.۸۴۸	۳.۸۵	دروس اصلی
۱	۳.۰۴	۰.۹۴۵	۴	دروس تخصصی
۴	۱.۷۶	۱.۱۸	۲.۶۶	دروس اختیاری
۳	۲.۲۹	۱.۰۷۳	۳.۳۸	پایان نامه

بر اساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تاثیرگذاری هر یک از گروه‌های درسی بر آماده سازی دانشجویان و فارغ التحصیلان جهت راه اندازی کسب و کار در سطح نمونه یکسان نبوده و هر گروه درسی توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ التحصیلان جهت راه اندازی کسب و کار می‌دهد. بر اساس یافته‌های این بخش گروه دروس تخصصی، دروس اصلی، پایان نامه و دروس اختیاری به ترتیب بیشترین تاثیر را بر آماده سازی دانشجویان جهت راه اندازی کسب و کار داشته است. نتایج بدست آمده در این بخش به همراه نرخ قابل توجه  $25$  درصدی راه اندازی کسب و کارهای شخصی

توسط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نشان دهنده موفقیت آموزش‌های کارآفرینی در تربیت و آموزش کارآفرینان و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دارد.

همچنین این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمرات تأثیر دروس اصلی، دروس تخصصی و پایان‌نامه بر افزایش آماده‌سازی جهت راه‌اندازی کسب و کار بالاتر از مقدار استاندارد ۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر دروس دروس اصلی، دروس تخصصی و پایان‌نامه بر افزایش آماده‌سازی جهت راه‌اندازی کسب و کار در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ  $t$  تک نمونه‌ای می‌رویم.

جدول (۱۰) آزمون  $t$  تک نمونه‌ای تأثیر دروس بر آمادگی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
				سطح اطمینان ۹۵٪	حد بالا / حد پایین
دروس اصلی	17.528	302	.000	.85479	.7588 / .9507
دروس تخصصی	18.532	302	.000	1.00660	.8997 / 1.1135
دروس اختیاری	-4.947	302	.000	-.33663	-.4705 / -.2027
پایان‌نامه	6.212	302	.000	.38284	.2616 / .5041

بر اساس نتایج جدول فوق با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه (۱.۹۶ و ۱.۹۶-) است و یا مقدار Sig که کمتر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد ۳ تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد تأثیر دروس اصلی، تخصصی و پایان‌نامه بر افزایش آماده‌سازی جهت راه‌اندازی کسب و کار، حد بالا و پایین هر دو مثبت هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد. همچنین در خصوص تأثیر دروس اختیاری بر افزایش آماده‌سازی جهت راه‌اندازی کسب و کار، از آنجا که حد بالا و پایین هر دو منفی هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد.

## ۵.۲.۵ بررسی تأثیر دروس و سرفصل‌های آموزشی بر آماده‌سازی دانشجویان جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین

جدول (۱۱) تأثیر دروس بر آماده‌سازی جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۳۱	۰.۹۳۷	۲.۹۲	دروس اصلی
۱	۳.۳۵	۰.۹۸۳	۴.۰۵	دروس تخصصی
۴	۲.۰۸	۱.۱۸۷	۲.۶۹	دروس اختیاری
۳	۲.۲۶	۱.۱۱۷	۲.۸۴	پایان نامه

بر اساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تأثیرگذاری هر یک از گروه‌های درسی بر آماده‌سازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین در سطح نمونه یکسان نبوده و هر گروه درسی توانایی‌های متفاوتی به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین می‌دهد. بر اساس یافته‌های این بخش همچون بخش پیشین گروه دروس تخصصی، دروس اصلی، پایان نامه و دروس اختیاری به ترتیب بیشترین تأثیر را بر آماده‌سازی دانشجویان جهت راه‌اندازی کسب و کار داشته است. همچنین این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمرات تأثیر دروس تخصصی بر افزایش آماده‌سازی دانشجویان جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین بالاتر از مقدار استاندارد ۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر دروس تخصصی بر افزایش آماده‌سازی دانشجویان جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. بطوریکه دانشجویان و دانش‌آموختگان با بهره‌گیری از اصول علمی و دانش مرتبط با کسب و کار نسبت به اصلاح مسائل و مشکلات کسب و کار خود اقدام نموده و از این طریق کسب و کارهای موجود را ارتقا می‌دهند. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ  $t$  تک نمونه‌ای می‌رویم.

جدول (۱۲) آزمون  $t$  تک نمونه‌ای مربوط به تأثیر دروس بر آماده‌سازی جهت ارتقا کسب و کارهای

پیشین

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
				حد پایین	سطح اطمینان ۹۵٪
دروس اصلی	-1.410	302	.160	-0.7591	حد بالا
دروس تخصصی	18.571	302	.000	1.04950	حد پایین

-1694	-4379	-30363	.000	302	-4.450	دروس اختیاری
-0354	-2880	-16172	.012	302	-2.519	پایان نامه

بر اساس نتایج جدول فوق با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value مربوط به دروس تخصصی، دروس اختیاری و پایان نامه که خارج از بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است و یا مقدار Sig که کمتر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین تاثیر دروس تخصصی، دروس اختیاری و پایان نامه بر آماده سازی جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین با عدد ۳ تفاوت دارد. اما در خصوص تاثیر تاثیر دروس اصلی بر آماده سازی جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که داخل از بازه (۱.۹۶ و -۱.۹۶) است و یا مقدار Sig که بیشتر از ۰.۰۵ است در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین تاثیر دروس اصلی بر آماده سازی جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین با عدد ۳ تفاوت ندارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد تاثیر دروس اختیاری و پایان نامه بر افزایش آماده سازی جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین، حد بالا و پایین هر دو منفی هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد. همچنین در خصوص تاثیر دروس تخصصی بر افزایش آماده سازی جهت ارتقا کسب و کارهای پیشین، از آنجا که حد بالا و پایین هر دو مثبت هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد.

## ۶.۲.۵ بررسی میزان تناسب سر فصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب و کار

جدول (۱۳) تناسب سر فصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب و کار

اولویت	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین	گروه درسی
۲	۲.۹۸	۰.۹۹۳	۳.۹۹	دروس اصلی
۱	۲.۹۹	۰.۹۹۳	۴	دروس تخصصی
۳	۲.۱۴	۰.۹۳۳	۳.۱۱	دروس اختیاری
۴	۱.۸۹	۱.۰۳۸	۲.۸۲	پایان نامه

بر اساس یافته‌های این بخش نیز می‌توان گفت که میزان تناسب سر فصل‌های آموزشی هر یک از گروه‌های درسی با نیازهای محیط کسب و کار یکسان نیست. به طوریکه سرفصل‌های آموزشی گروه‌های دروس تخصصی، دروس اصلی دروس اختیاری و پایان نامه به ترتیب بیشترین تناسب را با نیازهای محیط کسب و کار داشته‌اند. اما نکته قابل توجه

آن است که علیرغم نتیجه بدست آمده در این بخش مبنی بر تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب و کار می‌بینیم که تنها ۲۷ درصد از اعضای نمونه در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود فعالیت داشته و ۱۶ درصد از اعضای نمونه فاقد شغل هستند. این تناقض را اینگونه می‌توان توجیه کرد که عدم فعالیت بسیاری از اعضای نمونه در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی و بیکاری بخش دیگری از آنان می‌تواند ناشی از دلایلی غیر از عدم تناسب سرفصل‌های آموزشی با نیازهای محیط کسب و کار باشد. دلایلی همچون عدم تمایل یا نیاز به کار کردن، مغایرت در رشته تحصیلی مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و گرایش برخی از اعضای نمونه به رشته تحصیلی مقطع کارشناسی، علاقه مندی به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و ... .

همچنین این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمرات میزان تناسب دروس اصلی، تخصصی و اختیاری با نیازهای محیط کسب و کار بالاتر از مقدار استاندارد ۳ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که میزان تناسب دروس اصلی، تخصصی و اختیاری با نیازهای محیط کسب و کار در نمونه از وضعیت مطلوبی برخوردار است. حال می‌خواهیم این الگو را به جامعه تعمیم دهیم؛ بنابراین به سراغ  $t$  تک نمونه‌ای می‌رویم.

جدول (۱۴) آزمون  $t$  تک نمونه‌ای مربوط به تأثیر دروس بر افزایش توان علمی

گروه درسی	Tvalue	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد بالا	حد پایین
دروس اصلی	17.408	302	.000	.99340	.8811	1.1057
دروس تخصصی	17.523	302	.000	1.00000	.8877	1.1123
دروس اختیاری	2.155	302	.032	.11551	.0100	.2210
پایان نامه	-2.932	302	.004	-.17492	-.2923	-.0575

بر اساس نتایج جدول فوق با توجه به مقدار  $t$  یا  $t$  value که خارج از بازه  $(-۱.۹۶)$  و  $(۱.۹۶)$  است و یا مقدار Sig که کمتر از  $۰.۰۵$  است در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود. یعنی میانگین با عدد ۳ تفاوت دارد. حال به سراغ جهت تفاوت می‌رویم؛ جهت تفاوت را حد بالا و پایین تعیین می‌کند و چون در مورد میزان تناسب دروس اصلی، تخصصی و اختیاری با نیازهای محیط کسب و کار، حد بالا و پایین هر دو مثبت هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح بالایی قرار دارد. همچنین

در خصوص میزان تناسب پایان‌نامه با نیازهای محیط کسب و کار، از آنجا که حد بالا و پایین هر دو منفی هستند می‌توان گفت میانگین در جامعه نیز در سطح پایینی قرار دارد.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه عامل انسانی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاثیرگذار بر رشد و توسعه جوامع است. بطوریکه تربیت نیروی متخصص و کارآمد در دانشگاه‌های و مؤسسات آموزشی منجر به توسعه پایدار و متوازن می‌گردد. از سوی دیگر اقتصاد یکی از ارکان اصلی هر جامعه محسوب می‌شود و کارآفرینی موتور محرکه توسعه اقتصادی کشورها نامیده شده است. با توجه به رشد روزافزون جامعه دانشگاهی کشور و خیل عظیم فارغ‌التحصیلان جویای کار، پرداختن به مسئله «اشتغال» از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل در سالیان اخیر «آموزش کارآفرینی» در قالب دوره‌های مختلف دانشگاهی و غیردانشگاهی در کشور رواج پیدا کرده و مورد توجه مسئولان قرار گرفته است. نکته مهمی که در ارزیابی کیفیت دوره‌های آموزش کارآفرینی وجود دارد، وضعیت اثرگذاری این آموزش‌ها بر میزان آمادگی افراد برای ورود به کسب و کار است.

اهمیت مقوله کارآفرینی و تربیت کارآفرینان موجب شد تا در پژوهش حاضر تلاش گردد تا به نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تأثیر آن بر توانمندسازی دانشجویان پرداخته شود. یافته‌های پژوهش مبین این امر بوده است که در مجموع آموزش‌های کارآفرینی ارائه شده در دانشگاه‌ها و دروس و سرفصل‌های آموزشی این رشته نقش بسزایی در توانمندسازی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان داشته است. بطوریکه علاوه بر نظرات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مبنی بر مفید بودن دروس و سرفصل‌های آموزشی این رشته، توفیق اغلب اعضای نمونه در کسب موقعیت‌های شغلی، می‌تواند مؤید این مسئله باشد.

آموزش‌های کارآفرینی علاوه بر ایجاد انگیزش در افراد برای موفقیت و اقدام عمل جهت راه‌اندازی کسب و کار، به ایجاد و اشاعه فرهنگ کارآفرینی نیز کمک شایانی می‌کند. از اینرو برای افزایش مشارکت، موفقیت و رقابت‌پذیری، دانشجویان و دانش‌آموختگان نیاز به مداومت و عزمی قوی در ایجاد اندیشه کارآفرینی دارند. اگر تحصیلات دانشجویان و دانش‌آموختگان موجب ایجاد ذهنیت کارآفرینی‌شان شود؛ احتمال موفقیت آنان بیشتر خواهد شد. مهارت‌های کارآفرینی؛ ذاتی نیستند. مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل

مسئله، ارتباطات، تحمل ریسک، کار تیمی و اعتماد به نفس، مواردی هستند که می‌توان آن‌ها را آموخت. چگونگی به دست آوردن این مهارت‌ها بسیار متفاوت است و راه‌های بسیار زیادی برای انجام این کار وجود دارد، اما مطمئناً جامع‌ترین روش؛ آموزش کارآفرینی است. از سوی دیگر بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان توانمند در حوزه مختلف که توانایی تولید محصولات و خدمات ارزشمندی را دارند، به دلیل فقدان آموزش‌های کارآفرینی توان ایجاد کسب و کارهایی را که بتواند علاوه بر خلق ارزش و سودآوری، نیاز داخلی کشور به این محصولات و خدمات را برطرف سازد، ندارند. بر این اساس می‌توان نرخ نسبتاً پایین کارآفرینی در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های دیگر را شاهدی بر لزوم توسعه آموزش‌های کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای آموزش کارآفرینی برای آنها دانست.

یافته‌های بدست آمده در این پژوهش توسط پژوهش‌های دیگر نیز به روش‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته که در این بخش به برخی از این پژوهش‌ها و نتایج آنها اشاره می‌شود. طالبی و زارع یکتا (۱۳۸۷) آموزش کارآفرینی دانشگاهی را در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط دانش بنیان مؤثر دانسته‌اند. زالی و رضوی (۱۳۸۳) نیز در مطالعه خود ضمن بررسی تحلیلی آموزش کارآفرینی در دانشگاهها، این آموزش‌ها را بر توانمندسازی دانشجویان بسیار مؤثر دانسته‌اند. کماشی (۱۳۹۰) نیز تأثیر آموزش‌های کارآفرینی دانشگاهی را بر میزان آمادگی افراد برای ورود به کسب و کار قابل توجه ارزیابی کرده است.

در مجموع می‌توان گفت که دروس ارائه شده در مقطع کارشناسی ارشد کارآفرینی توانسته است تا حد قابل قبولی به اهداف خود که همان توسعه منابع انسانی خلاق، هوشمند و مهارت آموخته در راه اندازی کسب و کار و تربیت سیاست گذاران و کارشناسان کارآفرینی مورد نیاز دولت و بخش عمومی است؛ نائل گردد. گرچه این توفیق از ضرورت بازنگری مداوم و اصلاح و بروزرسانی دروس و سرفصل‌های آموزشی مطابق با نیازهای روز جامعه، نمی‌کاهد. در این راستا بهره‌گیری توأم از خبرگان دانشگاهی در حوزه کارآفرینی و کارآفرینان برتر کشور (بویژه کارآفرینانی که تحصیلاتشان در زمینه کارآفرینی است) می‌تواند منجر به تدوین سرفصل‌ها و محتوای آموزشی مناسب‌تر گردد.

## کتاب‌نامه

- پسندیده فرد، کبری؛ کیانی ماوی، رضا (۱۳۹۷)، شناسایی و اولویت بندی معیارهای موفقیت آموزش کارآفرینی و توسعه اقتصادی بر اساس مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره، *مطالعات نوین کاربردی در مدیریت و اقتصاد*، (۱)، ۱۰۱ - ۱۱۸.
- حسینی، سید یعقوب، خسروی لقب، زهره. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر قصد و نیت رهبری و کارآفرینی دانشجویان دختر (مورد مطالعه: دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه‌های دولتی شهر تهران). *زن و جامعه*، ۸(۳۰)، ۳۵-۵۶.
- رحیمی مند، مریم؛ عباسپور، عباس (۱۳۹۴). رابطه روشهای تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخنرانی) با انگیزه پیشرفت در دانشجویان، *روانشناسی تربیتی*، ۱۲(۳۹)، ۱-۲۴
- رستمعلی زاده، ولی اله، علی جمعه زاده، پروین. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران. *توسعه اجتماعی*، ۱۲(۳)، ۱۴۷-۱۷۲.
- زالی، محمدرضا؛ رضوی، سید مصطفی (۱۳۸۳). «بررسی تحلیلی آموزش کارآفرینی در دانشگاهها»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۴(۱۶)، ۵۱ - ۸۲
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۹۰). *روش‌های پژوهش در علوم رفتاری*، نشر آگه، چاپ بیست و دوم.
- سپهوند، رضا؛ مغویی نژاد، مهدیه. (۱۳۹۶). تاثیر مدیریت منابع انسانی عملکرد بالا بر کارآفرینی سازمانی با نقش واسطه ای رفتار شهروندی سازمانی، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۲۶(۸۴)، ۵۳ - ۷۲.
- شوهانی، محمدحسین؛ احسانی، محمد؛ صالحی پور، مژگان. (۱۳۹۴). رابطه بین فرهنگ سازمانی و کارآفرینی سازمانی کارکنان کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران. *مدیریت منابع انسانی در ورزش*، ۳(۱)، ۹۳-۱۰۳.
- طالبی، کامبیز؛ زارع یکتا، محمدرضا (۱۳۸۷). «آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) دانش بنیان»، *توسعه کارآفرینی*، (۱)، ۱۱۱ - ۱۳۱
- فخاری، علی رضا (۱۳۹۵). «نقد و بررسی برنامه درسی رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۶(۳)، ۱۱۵-۱۳۹
- قربان زاده سوار، قربانعلی (۱۳۹۲). «دروس دوره کارشناسی علوم سیاسی واقعیت‌ها، ضرورت‌ها و انتظارات مطالعه موردی: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۳(۲)، ۸۹ - ۱۰۸
- متقی زاده، عیسی؛ روشنفکر، کبری؛ اسماعیلی، سجاد (۱۳۹۳). «نقد و بررسی سرفصل درس متون نظم و نثر رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی و ضرورت بازنگری در آن»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۴(۱)، ۹۳-۱۱۸



نقد و بررسی دروس و سرفصل‌های دوره کارشناسی ارشد ... (محمد معصوم و دیگران) ۳۸۱

محمدزاده، یوسف، حکمتی فرید، صمد، میر علی اشرفی، کبری. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر روی توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب. توسعه کارآفرینی، ۹(۲)، ۳۵۷-۳۷۶.

محمد کاظمی، رضا؛ قاسمی، حمید؛ رستم بخش، محمدرضا. (۱۳۹۰). شناسایی و تحلیل موانع رفتاری کارآفرینی سازمانی در سازمان تربیت بدنی (وزارت ورزش) کشور. پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۱(۲)، ۸۹-۱۰۰.

- Anokhin, S., Grichnik, D., & Hisrich, R. D. (2008). The Journey from Novice to Serial Entrepreneurship in China and Germany: Are the drivers the same? *Managing Global Transitions*, 6(2), 117.
- Chen, Y., Wang, Y., Nevo, S., Benitez-Amado, J. & Kou, G. (2015). IT capabilities and product innovation performance: The roles of corporate entrepreneurship and competitive intensity. *Information & Management*, 52(6), 643-657
- Cronbach, Lee J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests, *psychometrika*, 16(3), 297-334
- Hancıoğlu, Y., Doğan, Ü. B., & Yıldırım, Ş. S. (2014). Relationship between uncertainty avoidance culture, entrepreneurial activity and economic development. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 908-916.
- Hanohov, R., & Baldacchino, L. (2018). Opportunity recognition in sustainable entrepreneurship: an exploratory study. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 24(2), 333-358.
- Kellermanns, F.W., Eddleston, K.A., Barnett, T., & Pearson, A. (2008). An exploratory study of family member characteristics and involvement: Effects on entrepreneurial behavior in family firms. *Family Business Review*, 21 (1), 1-14.
- Kyndt, E., & Baert, H. (2015). Entrepreneurial competencies: Assessment and predictive value for entrepreneurship. *Journal of Vocational Behavior*, 90, 13-25.
- Saiz-Alvarez, J. M., Martínez, A. C., & Martínez, C. C. A. (2014). An entrepreneurial well-being model based on GEM data for Spain. *IJIMAI*, 2(5), 38-47.
- Tajeddini, Kayhan (2010). Effect of customer orientation and entrepreneurial orientation on innovativeness: Evidence from the hotel industry in Switzerland, *Tourism management*, Volume 31, Issue 2, p.p. 221-231.
- Vuorio, A. M., Puumalainen, K., & Fellnhöfer, K. (2018). Drivers of entrepreneurial intentions in sustainable entrepreneurship. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 24(2), 359-381.